



مهارت‌های مدیریتی

آداب و ادب برنامه‌ریزی در مدرسه

● دکتر حیدر تورانی

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی، بینش، ادب آموزش

به‌جا می‌آورم و با توجه به مخاطبم و متناسب با آن‌ها، از قصه‌ها و داستان‌ها نکاتی می‌گویم. در پایان حمد خدا را می‌گویم.» بهلول می‌گوید: «تو سخنوری هم نمی‌دانی.» جنید می‌گوید: «سؤال دیگری بپرس و به من فرصتی دیگر بده.» بهلول می‌پرسد: «چطور می‌خواهی؟» پاسخ می‌گیرد: «بسیار ساده. بعد از به‌جا آوردن نماز با وضو به رختخواب می‌روم و با ذکر خدا مهربانی‌هایم را می‌شوم.»

بهلول می‌گوید: «تو هیچ کدام را نمی‌دانی. آن‌ها که تو گفتی، آداب است، اما تو ادب آن‌ها را نمی‌دانی. ادب خوردن آن است که لقمه حلال بخوری و اگر طعام تو حرام باشد، هر آنچه از آداب به‌جا می‌آوری، بی‌ارزش است. ادب سخنوری آن است که سخن حق بگویی و اگر برای حق و حقیقت نگوئی، آداب آن بی‌فایده است. ادب خوابیدن آن است که بی‌هیچ کینه‌ای از انسان و انسانیت و با عشق به انسانیت بخوابی و اگر در دل تو عشق به انسانیت نباشد و با کینه بخوابی، همه آنچه به‌جا می‌آوری، یکسره باطل است.»

استاد رجایی این ادب را «بینش» می‌داند و تأکید می‌کند،

برنامه‌ریزی در مدرسه باید بتواند بر ادب مدرسه بیفزاید، نه آداب آن؛ چرا که با رعایت ادب برنامه‌ریزی می‌تواند به رسالت خود عمل کند. چراکه پرداختن صرف به آداب برنامه‌ریزی در مدرسه را به ظاهر سازی و روزمرگی سوق می‌دهد.

فرهنگ رجایی در کتاب «اندیشه‌ورزی» (۱۳۹۸) داستانی را از «جنید بغدادی» نقل می‌کند. جنید از عرفای بزرگ قرن پنجم، نزد بهلول^۱ می‌رود و از وی می‌خواهد او را ارشاد کند. بهلول می‌گوید: «از تو سؤالی دارم و اگر درست پاسخ دادی، آنگاه ارشادت می‌کنم. سؤالم این است که چگونه غذا می‌خوری؟» جنید پاسخ می‌دهد: «وضو می‌گیرم، غذا و سفره را آماده می‌کنم، بسم‌الله می‌گویم، سعی می‌کنم آهسته و لقمه‌لقمه غذا بخورم. قبل از سیر شدن دست از غذا می‌کشم و حمد خدا را به‌جا می‌آورم.» بهلول می‌گوید: «تو می‌توانی ارشادت کنی. تو غذا خوردن بلد نیستی. چگونه ارشادت کنی؟» جنید می‌گوید: «از راه دوری آمده‌ام تا مرا ارشاد کنید.» بهلول می‌گوید: «سؤال دیگری می‌پرسم. تو سخنوری بلدی؟» جنید پاسخ می‌دهد: «بله. وضو می‌گیرم، به منبر می‌روم، حمد خدا را

**ادب آموزش و
ادب رهبری در
یادگیری دانش آموز
و اطمینان از
پیشرفت، تعالی
و کرامت انسانی
اوست. این رویکرد
مهم باید در اولویت
برنامه توسعه
آموزش و پرورش و
فرایند اجرای سند
تحول و اسناد
بالادستی باشد**

اگر «بینش» نداشته باشیم و تنها آداب به جا بیاوریم، به جایی نمی‌رسیم. ضروری است ادب چیزها را بیاموزیم، نه آدابشان را. داشتن بینش، افق و چشم‌انداز برای هر گونه کنشگری، هر نوع فعالیت و هر نوع اندیشه‌ورزی و بازاندیشی شرط ضروری است. به جای «دیدگاه فن‌سالارانه» و مهارت‌پروری دائم و جست‌وجوی کاربردها و راه‌حل‌ها، لازم است بینش و ادب هر فعالیت و هر موضوعی را جست‌وجو کنیم (فاضلی، ۱۴۰۱).

با آداب برنامه و برنامه‌نویسی می‌توان مدرسه

را با کارها و فعالیت‌های نمادین و شکلی و کلیشه‌ای و آمارسازی زینت داد و چند صباحی بدان دلخوش بود و خشنودی فرادستان را به قیمت نارضایتی فرودستان به دست آورد، ولی هرگز نمی‌توان فرایند تربیت و یادگیری را در مدرسه توسعه و رونق بخشید. با وضع قوانین و مقررات، وضع چارچوب و اعمال بایدها و نبایدها، می‌توان دانش‌آموز و معلم را به مدرسه آورد و سر کلاس درس نشاند و مدیر مدرسه را به رتق و فتق امور جاری واداشت، اما نمی‌توان مدرسه را به کنش‌های یادگیری و یاددهی مؤثر و فعالانه وادار ساخت و به عبارت دیگر برانگیخت. برای مثال، اسب را می‌شود تالاب چشمه برد، اما نمی‌توان به نوشیدن آب مجبورش کرد! به دیگر سخن، با به‌جا آوردن نمادها و مناسک آموزش و اجرای فوق‌برنامه‌ها در قالب یک برنامه اجرایی مدرسه‌ای و نه برنامه رهبردی و توسعه‌ای، آن هم زمانی که «برای مدرسه» نوشته می‌شود، نه «در مدرسه»، می‌توان اتفاقاتی را رقم زد، اما دیری نخواهد پایید که مدرسه و همه سرنشینان آن بی‌ربط و بی‌خاصیت و غیرپاسخ‌گو (به نیاز مخاطبان و ذی‌نفعان خویش) خواهند شد! تا دیر نشده است، باید جلوی بی‌ربط شدن و بی‌خاصیت شدن مدرسه (معلم، کتاب‌های درسی، مواد آموزشی و برنامه‌های پرورشی) را گرفت، چرا که در غیر این صورت فناوری جایگزین معلم، مدرسه، مدیر و حتی والدین می‌شود. رفع این نگرانی‌ها و دستیابی به چشم‌انداز، مأموریت و اهداف مدرسه، در ظرفیت قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها و به‌اصطلاح آداب برنامه و برنامه‌ریزی برای مدرسه نمی‌گنجد، بلکه ادب برنامه و

برنامه‌ریزی در مدرسه، در برنامه‌ریزی راهبردی و دقت پداگوژیک نهفته است. ادب آموزش و ادب رهبری در یادگیری دانش‌آموز و اطمینان از پیشرفت، تعالی و کرامت انسانی اوست. این رویکرد مهم باید در اولویت برنامه توسعه آموزش و پرورش و فرایند اجرای سند تحول و اسناد بالادستی باشد و دانش‌آموز و تربیت او محور قرار گیرد. چنانچه ادب آموزش را کنار بگذاریم، آداب آموزش ره به‌جایی نمی‌برد. به قولی، آنچه بر در و دیوار مدرسه نوشته شده است مهم نیست، مهم آن است که درون ساختار و بافتار و وجدان مدرسه چه می‌گذرد؟ آیا مدرسه به تفاوت‌ها (قومی، محلی، جنسیتی، نژادی و زبانی) احترام می‌گذارد یا نه؟ ادب آموزش در توجه به تفاوت‌ها، جزئیات و اسراف و تبذیرهاست. لذا اگر در مدرسه‌ای تبعیض و بی‌عدالتی وجود داشته باشد، ادب آموزش معنا و مفهوم دارد؟ به دیگر سخن، اگر همه تعلیم‌های ما حذر از اسراف و تبذیر و تأکید بر حفظ و حافظه به‌جای تفکر و تعقل باشد، اما عملکرد نظام حکمرانی مدرسه الگوی مصرفی و پداگوژیک بهینه نداشته باشد و به آن اهمیتی ندهد و آنچه آموخته می‌شود، در اصل مصرف‌گرایی و اتلاف منابع باشد، آیا می‌توان ادعا کرد ادب برنامه رعایت شده است؟

بنابراین، وقتی در نظام مدیریت و حکمرانی مدرسه تبعیض، نارسایی و آسیب در فرایند یادگیری و تربیت، ظاهر به‌جای باطن وجود داشته باشد و همچنین شوق تغییر نباشد، در عمل می‌آموزیم که تبعیض و ظاهر... در انواع آن، نوعی ارزش و ترجیح اجتماعی است. آنگاه مهم نیست بر در و دیوار مدرسه و حتی کتاب‌های درسی چه نوشته باشیم و معلمان چه بگویند، چرا که قوانین و ساختار حقوقی و اجرایی مدرسه با عملکردشان به ما نشان می‌دهند که تبعیض و ظاهرسازی می‌تواند یک ترجیح اجتماعی و سازمانی باشد. در حالی که آنچه بر همه چیز ترجیح دارد، عملکرد ماست، نه لقلقه زبان ما. ■

پی‌نوشت

۱. در تاریخ بهلول‌های زیادی آمده‌اند، اما در اینجا منظور از بهلول، برادرزاده هارون است که شیعه بود و خود را به دیوانگی زده بود تا از این طریق آرمان‌های خود را پیش ببرد. بهلول دیوانه، بهلول عاقل. در تاریخ به این‌گونه افراد مجانبین‌العقل می‌گویند.

منابع

۱. رجایی، فرهنگ (۱۳۹۸)، اندیشه و اندیشه‌ورزی، فرهنگ جاوید، تهران.
۲. فاضلی، نعمت‌اله (۱۴۰۱)، مسئله مدرسه: بازاندیشی انتقادی در آموزش و پرورش ایران، هوش ناب، تهران.